

جای گاه دیپلماسی علمی در تأمین امنیت ملی در روابط ایران و افغانستان

نگارنده: دکتر ماندانا تیشه یار*

چکیده

امنیت در جهان امروز به مفهومی پیچیده و متفاوت از گذشته بدل شده است. در جهان قدیم، قدرت و توان‌مندی‌های نظامی مهم‌ترین نقش را در برپاداری امنیت در جوامع گوناگون بازی می‌کردند؛ اما امروزه ابزارهای امنیت‌ساز، از طیف گسترده‌یی برخوردار شده‌اند؛ و عناصری هم‌چون توان‌مندی‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرند. در این جهان نوین، دولت‌ها برای تأمین امنیت ملی کشورها، ناگزیر اند که از همه این ابزارها به طور نسبی بهره‌گیرند تا بتوانند زمینه برپاداری امنیت همه‌جانبه را فراهم آورند.

در این میان، اندیش‌مندان و پژوهش‌گران کشورهای گوناگون در سال‌های اخیر، توانسته‌اند با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی نوین، زمینه شکل‌گیری دیپلماسی علمی در سیاست خارجی کشورها را فراهم آورده و مفهوم قدرت نرم را به عنوان یکی از راه‌های افزایش و تثبیت منافع و امنیت ملی کشورها، در حوزه‌های گوناگون علم وارد سازند. از این رو، ضرورت دارد، که به دیپلماسی علمی، به‌عنوان عنصر زمینه‌ساز افزایش امنیت ملی و تأمین منافع ملی کشورها از سوی بازی‌گران غیردولتی، به‌ویژه دانش‌گاہیان هر کشور، پرداخته شود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی نقش دیپلماسی علمی در پیش‌برد هم‌کاری میان کشورها، به ویژه دو کشور همسایه ایران و افغانستان بوده است.

پرسش اصلی در این پژوهش این بوده است، که چرا دیپلماسی علمی امروزه می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای تأمین امنیت و منافع ملی در گسترش روابط ایران و افغانستان به کار گرفته شود؟ برای پاسخ به این پرسش، در این نوشتار کوشش گردید تا در چهارچوب نظریه قدرت نرم، به نمونه‌های عملی نقش دیپلماسی علمی در پیش‌برد هم‌کاری‌های بین‌المللی میان کشورها پرداخته شود. یافته‌های اصلی پژوهش، تبیین‌کننده نقش کلیدی دیپلماسی علمی در تقویت پیوندهای فرهنگی و تمدنی و امنیت‌سازی در میان دو کشور ایران و افغانستان هستند.

واژه‌گان کلیدی: دانش‌گاه، دیپلماسی علمی، سیاست خارجی، قدرت نرم، امنیت ملی،

ایران و افغانستان.

* دکترای مطالعات بین‌الملل و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزش عالی بیمه آکو در دانش‌گاه علامه طباطبائی، ایران
(mandana.tishehyar@gmail.com)

ISSN

Printed: 2788-4155

Online: 2788-6441

Ghalib

Received Date: 02 / 07 / 2021

Accepted Date: 06 / 09 / 2021

The Role of Scientific Diplomacy in Ensuring National Security in Iran–Afghanistan Relations

Author: Dr. Mandana Tishehyar(PhD) *

Abstract

Security in the world today has become a complex and different concept from the past. In the ancient world, military power and capabilities played the most important role in maintaining security in various societies; But today, security tools have a wide range; They also include elements such as economic, scientific and cultural capabilities. In this new world, governments have to use all these tools in part to ensure the national security of countries in order to provide the basis for comprehensive security.

In the meantime, thinkers and researchers from different countries in recent years, have been able to use modern communication tools to provide the basis for the formation of scientific diplomacy in foreign policy and the concept of soft power as one of the ways to increase and consolidate national interests and security. Therefore, it is necessary to address scientific diplomacy as a grounding element for increasing national security and securing the national interests of countries by non-governmental actors, especially academics in each country. The purpose of this study was to investigate the role of scientific diplomacy in promoting cooperation between countries, especially the two neighboring countries of Iran and Afghanistan.

The main question in this study was, why scientific diplomacy today can be used as a tool to ensure security and national interests in the development of Iran-Afghanistan relations? To answer this question, in this article, an attempt was made to provide practical examples of the role of scientific diplomacy in promoting international cooperation between countries within the framework of soft power theory. The main findings of the study explain the key role of scientific diplomacy in strengthening cultural and civilizational ties and security between Iran and Afghanistan.

Keywords: University, Scientific Diplomacy, Foreign Policy, Soft Power, National Security, Afghanistan and Iran.

* PhD in International Studies & Faculty Member, ECO College, Allameh Tabataba'i University
(mandana.tishehyar@gmail.com)

مقدمه

سده بیست‌ویکم از ویژه‌گی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است. برای نخستین‌بار، دوره پیروزی و برتری کشورها با بهره‌گیری از سخت‌افزار و تسلیحات جنگی برای کنترل ملتها و سرزمین‌ها به پایان آمده است. امروزه عصری آغاز شده، که در آن، قدرت‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی نقش پُررنگ‌تری در عرصه روابط بین‌الملل بازی می‌کنند. دستیابی به رفاه اقتصادی، به‌دست آوردن دانش نوین و پیروی از الگوهای فرهنگی جهان‌شمول در هر جامعه، کم‌وبیش در اغلب جوامع عمومیت یافته است؛ از این‌رو است که می‌توان دید در این دوران نوین، بهره‌گیری از قدرت یا دیپلماسی نرم، کارویژه اساسی دولت‌ها در تعامل با دیگر واحدهای سیاسی به‌شمار می‌رود.

معمولاً از دیپلماسی علمی به‌عنوان قدرت نرم کشورها نیز یاد می‌شود. قدرت نرم، توانایی به‌دست آوردن آن‌چه مورد نظر است؛ از راه جذابیت و نه اجبار و تهدید یا تطمیع و رشوه تعریف می‌شود. در واقع، مفهوم قدرت نرم به معنای توانایی تأثیرگذاری بر رفتار نخبه‌گان و اندیش‌مندان کشورهای گوناگون برای گسترش روابط و برپاداری صلح و آشتی تلقی می‌شود. از این‌رو، فرهنگ، ارزش‌های بنیادین، دانش و فناوری، از منابع قدرت نرم به‌شمار می‌آیند. باید توجه داشت، که برخورداری از منابع قدرت نرم، به خودی خود به معنای برخورداری از دیپلماسی علمی قوی نیست، بل که چه‌گونه‌گی استفاده از این منابع برای دستیابی به اهداف مورد نظر است، که می‌تواند تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی یک کشور باشد.

برخلاف دیدگاه رایج، که قدرت نرم را ویژه کشورهای بزرگ و بانفوذ می‌داند، کشورهای متوسط و کوچکی نیز هستند که با استفاده از قدرت نرم، به تقویت سرمایه‌های خود پرداخته‌اند و توانسته‌اند از این ابزار در پیش‌برد اهداف سیاست خارجی خود بهره‌گیرند. مهم‌ترین ابزار دیپلماسی علمی و قدرت نرم، هم‌کاری‌های علمی میان پژوهش‌کده‌ها، اندیشه‌کده‌ها و دانش‌گاه‌ها در کشورهای گوناگون است. دیپلماسی علمی امروزه به یکی از ابزارهای کارآمد سیاست‌گذاران عرصه روابط خارجی در کشورهای گوناگون تبدیل شده است. در این میان، اندیش‌مندان و پژوهش‌گران کشورهای گوناگون در سال‌های اخیر توانسته‌اند با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی نوین، زمینه شکل‌گیری دیپلماسی علمی در سیاست خارجی کشورها را فراهم آورده و مفهوم قدرت نرم را به‌عنوان یکی از راه‌های افزایش و تثبیت منافع و امنیت ملی کشورها، در حوزه‌های گوناگون علم وارد سازند؛ از این‌رو، ضرورت دارد که به دیپلماسی علمی به‌عنوان عنصر زمینه‌ساز افزایش امنیت ملی و تأمین منافع ملی کشورها از سوی بازی‌گران غیردولتی، به‌ویژه دانش‌گاهیان هر کشور، پرداخته شود.

اگرچه در سال‌های اخیر شمار زیادی کتاب و مقاله در زمینه نظریه قدرت نرم و شمار محدودتری مقاله درباره دیپلماسی علمی، به زبان‌های فارسی و انگلیسی نگاشته شده‌اند و نگارنده کوشیده است در بخش بحث نظری و در بخش تبیین موضوع از برخی از این منابع بهره بجوید، اما نکته اساسی آن است که تاکنون کم‌تر پژوهشی به موضوع نقش امنیت‌ساز دیپلماسی علمی در روابط دو کشور هم‌سایه، ایران و افغانستان، که از دیرباز پیوندهای فرهنگی، زبانی، مذهبی و اجتماعی داشته‌اند پرداخته است؛ از این رو، پژوهش کنونی می‌تواند زمینه‌ی برای اندیشیدن و گفت‌وگوی بیش‌تر برای طراحی الگویی از همکاری‌های علمی و دانش‌گاهی میان دو کشور با هدف تأمین منافع ملی و افزایش امنیت ملی برای هر دو هم‌سایه فراهم آورد و زمینه بهره‌مندی از ابزارهای قدرت نرم برای تقویت پیوندهای تاریخی دو ملت را میسر سازد.

به درستی باید گفت، که هدف بنیادین از انجام این پژوهش، بررسی کارکرد دیپلماسی علمی در چهارچوب نظریه قدرت نرم و یافتن راه‌کارهایی برای استفاده از ظرفیت‌های موجود در میان دانش‌گاہیان و اندیش‌مندان در دو کشور ایران و افغانستان برای تقویت هم‌بستگی و دوستی میان نخبه‌گان فکری در این دو سرزمین است.

پرسش اصلی در این پژوهش این است که: چرا دیپلماسی علمی امروزه می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای تأمین امنیت و منافع ملی در گسترش روابط ایران و افغانستان به کار گرفته شود؟ برای پاسخ به این پرسش، در این نوشتار کوشش خواهد شد تا در چهارچوب نظریه قدرت نرم، به نمونه‌های عملی نقش دیپلماسی علمی در پیش‌برد همکاری‌های بین‌المللی میان کشورها و اهمیت آن در تقویت امنیت ملی و تأمین منافع ملی با تأکید بر روابط میان دو کشور هم‌سایه، ایران و افغانستان، پرداخته شود.

یافته‌های اصلی پژوهش، که در بخش پایانی این نوشتار خواهند آمد، تبیین‌کننده نقش کلیدی دیپلماسی علمی در تقویت پیوندهای فرهنگی و تمدنی و امنیت‌سازی در میان دو کشور ایران و افغانستان خواهند بود.

نظریه قدرت نرم

در سده‌های پیشین، مهم‌ترین بازیگران عرصه سیاست خارجی، سیاست‌مداران و جنگاوران بودند. امروزه اما مخاطبان و بازیگران تازه‌یی پا به عرصه شطرنج روابط بین‌الملل گذاشته‌اند. پایان جنگ سرد و تغییر اولویت‌های امنیتی کشورها موجب شده است که مؤلفه‌های امنیتی نوینی در ساختارهای رسمی روابط میان دولت‌ها نقش بازی کنند (متقی؛ ۱۳۸۷: ۴۳) در جهان کنونی، مردم عادی، نخبه‌گان فکری، انجمن‌ها، نهادهای غیردولتی، شرکت‌ها و سازمان‌ها هر یک به فراخور، نقشی مهم

در شکل‌دهی به دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشور بازی می‌کنند؛ از این‌رو، طراحان الگوی امنیت ملی در هر کشور، با شناسایی ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های بخش‌های غیردولتی و غیرنظامی، می‌کوشند تا از توان بالقوه این بخش‌ها در تأمین هرچه به‌تر و کم‌هزینه‌تر امنیت ملی کشورها بهره‌جویند.

آن‌چه امروزه از آن به‌عنوان دیپلماسی علمی یاد می‌شود، در واقع کوشش سیاست‌گذاران عرصه روابط خارجی در کشورهای گوناگون برای تأثیرگذاری بر افکار روشن‌فکران در جوامع مختلف، از راه بهره‌مندی از ظرفیت‌های دانش‌جویان، پژوهش‌گران و استادان دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌گاه‌های داخلی است. در این عصر نوین، اهمیت یافتن افراد و نهادهای غیردولتی، زمینه را برای استفاده از ابزارهای گوناگون در حوزه‌ی ریافت‌های سیاست خارجی و امنیت ملی فراهم آورده است. شرایط نوین جهانی نیز دولت‌مردان را بیش از گذشته علاقه‌مند ساخته است تا گروه‌های اجتماعی گوناگون کشورهای هدف، به‌ویژه قشر تحصیل‌کرده، روشن‌فکر و فرهیخته در دیگر کشورها را مخاطب خود قرار دهند و از ورای میزهای گفت‌وگوهای دیپلماتیک، به دنبال جذب هرچه بیش‌تر افکار عمومی دیگر کشورها برآیند.

به‌این ترتیب، می‌توان دید که تحولات نظام بین‌الملل و روندهای نوین جهانی، ساختار دیپلماسی کشورها را نیز دگرگون کرده است. به‌گونه‌ی که در کنار دیپلماسی سنتی، که از دیرباز وجود داشته است، اشکال نوین دیپلماسی، به‌ویژه دیپلماسی علمی و دانش‌گاهی نیز در حال شکل‌گیری هستند که برای تأمین منافع و امنیت ملی کشورها روزانه به‌کار برده می‌شوند. دیپلماسی علمی اقداماتی برای تعامل و ارتباط با اندیش‌مندان دیگر ملل دانسته شده، که هدف از آن، برپایی و تداوم بخشیدن به روابط با دیگر جوامع بر پایه فرهنگ، دانش، ارزش‌ها و سیاست‌های هر دولت است. البته باید توجه داشت که دیپلماسی علمی از اهداف سیاست خارجی و نیز از اهداف دیپلماسی سنتی هم‌واره پشتی‌بانی می‌کند و در همان راستا پیش می‌رود.

از این‌رو، دیپلماسی علمی را می‌توان مجموعه‌ی از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نوین دیپلماتیک دانست، که کارگزاران آن را دانش‌گامیان و اهل علم تشکیل می‌دهند و کوشش‌های آن‌ها در خدمت دست‌گاه سیاست خارجی یک کشور قرار می‌گیرد و روابط آن کشور با دیگر کشورهای جهان را بهبود می‌بخشد. با استفاده از دیپلماسی علمی هم‌چنین می‌توان باورها و سیاست‌های خود را به‌منظور افزایش جای‌گاه میان جوامع گوناگون در کشورها گسترش داد. به این ترتیب، دیپلماسی علمی در پی آن است تا با گسترش روابط و هم‌کاری علمی با شهروندان نخبه یک کشور و ارتباط متقابل نگرش میان نخبه‌گان فکری دو کشور، بر رفتار و سیاست‌های مؤثر در روابط دوجانبه اثر بگذارد (احدی؛ ۱۳۸۹: ۱۵۲).

امروزه اگرچه هنوز ابزارهای نظامی نقش مؤثر و تعیین کننده‌ی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی دارند، اما این امر را نمی‌توان به عنوان اصلی‌ترین عامل کنترل محیط امنیتی دانست. در چنین شرایطی، شاهد تغییر در جهت‌گیری مطالعات امنیتی هستیم. نظریه‌پردازانی مانند تد رابرت گر^۱، بر ضرورت مطالعه نقش عوامل فکری در بروز و کاهش بحران‌های داخلی و بین‌المللی تأکید داشته‌اند (گر؛ ۱۳۷۹: ۱۸).

آندره لینکلتر^۲ نیز بر این باور است که هرگاه بتوان نیروهای گوناگون در عرصه بین‌المللی را براساس «حیات اخلاقی» به یک‌دیگر گره زد، در آن شرایط امکان امنیت‌سازی فراهم می‌شود (۱۹۹۸: ۲۳). می‌توان مصداق پیوند حیات اخلاقی میان جوامع را هم‌کاری میان نخبه‌گان و اندیش‌مندان هر جامعه با همتایان خود در دیگر جوامع دید.

در واقع، بر پایه ره‌یافت امنیت انتقادی، جهانی که ما در آن زیست می‌کنیم، چیزی نیست که خود را به انسان‌ها تحمیل کرده باشد؛ بل که این انسان‌ها و اندیشه‌ها هستند که جهان را می‌سازند؛ بنابراین لازم است که امنیت‌سازی را از راه قالب‌های ادراکی مشترک و هم‌چنین هنجارهای هم‌گون، سازمان‌دهی کرد؛ از این‌رو، باید قدرت نظامی و محوریت دولت در روابط بین‌الملل را با موضوعات دیگری، مانند هنجارهای اجتماعی، دانش نوین و انگاره‌های اخلاقی و فلسفی هم‌آهنگ کرد (متقی؛ ۱۳۸۷)؛ از این منظر، نیروهای نظامی و امنیتی به تنهایی گاه می‌توانند عامل شکننده‌گی امنیت بین‌الملل به شمار آیند و درواقع، توانایی جوامع برای تداوم‌بخشیدن به روابط فرهنگی، اجتماعی و علمی میان توده‌ها و نخبه‌گان با یک‌دیگر می‌تواند ضامن امنیت ملی به‌شمار رود. این امر به مشروعیت و کارآمدی سیاسی نظام‌ها نیز یاری می‌رساند.

در این میان، دیدگاه‌های نئولیبرال نیز با تأکید بر کارکرد نظریه‌های انتقادی امنیت، بر شکل‌دهی به موازنه نرم برای پیش‌برد منافع ملی تأکید دارند. جوزف نای، سرشناس‌ترین نظریه‌پرداز در این حوزه، امروزه در زمره اصلی‌ترین منتقدان سیاست‌های نظامی آمریکا در دیگر کشورها به شمار می‌رود. از دید او، موازنه نرم دارای دو شکل درونی و بیرونی است، در شکل بیرونی، بر کوشش‌های دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی تأکید می‌شود و در شکل درونی به بسیج منابع داخلی، اعم از نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی، می‌توان اتکا کرد (۱۳۹۲: ۹۵).

بر این پایه، بالابردن جای‌گاه و ارتباطات فرهنگی و علمی یک کشور در عرصه بین‌المللی، می‌تواند زمینه هم‌کاری فکری و افزایش توان‌مندی سیاست خارجی آن کشور در تعامل با دیگر کشورها را فراهم آورد. کاربرد دیپلماسی علمی به همراه استفاده از ابزارهایی مانند دیپلماسی رسانه‌یی

¹ . Ted Robert Garr

² . Andrew Linklater

و دیپلماسی فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز روابط پایدار با افراد دانش‌مند و نخبه‌گان در سالیان طولانی از راه اعطای بورسیه، تبادلات دانش‌گاهی، برگزاری سمینارها و همایش‌های مشترک، انجام پژوهش‌های علمی مشترک و ارائه دیدگاه‌های نوین در عرصه دانش‌گاهی بر پایه منافع ملی باشد. این الگوی رفتاری در سال‌های اخیر از سوی بسیاری از کشورها در صحنه بین‌المللی دنبال شده است.

درواقع، در عصر اطلاعات، قدرت نرم بیش از قدرت سخت می‌تواند به تقویت امنیت ملی یاری رساند. در این روزگار، بهره‌گیری از نهادهای علمی به منظور تبادل ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و اندیشه‌های هر واحد سیاسی در راستای تأمین منافع ملی کشورها، امری ضروری به نظر می‌رسد.

جای‌گاه دیپلماسی علمی در تأمین امنیت ملی

دیپلماسی علمی، عبارت از استفاده از هم‌کاری‌ها و تعاملات علمی و فناورانه (یا تکنولوژیک) میان یک کشور با دیگر بازی‌گران بین‌المللی است، که در خدمت پیش‌برد سیاست خارجی آن کشور و گسترش هم‌کاری‌های بین‌المللی با اهداف تأمین منافع و افزایش امنیت ملی قرار گیرد. نمونه‌ی از این دست هم‌کاری‌ها در دوران جنگ سرد را می‌توان در رفت‌وآمد دانش‌مندان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا دید، که با همه دشواری‌های نخستین، سرانجام توانستند یخ دیپلماتیک روابط میان دو کشور را شکسته و زمینه فعالیت دوباره سفارت‌خانه‌ها برای صدور روایت در پایتخت‌های یک‌دیگر را فراهم آورند (Neureiter & Turekian; 2013).

فعالیت استادان و پژوهش‌گران در سطح بین‌المللی با استفاده از وسایل ارتباط جمعی نوین توانسته است در سال‌های اخیر، زمینه مناسبی برای افزایش نقش اندیش‌مندان و دانش‌گامیان در شکل‌دهی به روابط علمی و فرهنگی میان کشورها را فراهم آورد. این اندیش‌مندان نه‌تنها زمینه هم‌کاری‌های علمی میان ملت‌ها را پدید آورده اند، گاه حوزه تأثیرگذاری خود را از مرزهای میان کشورها فراتر برده و اقدام به نهادسازی‌های علمی در سطح منطقه‌ی یا بین‌المللی کرده اند؛ از این‌رو، امروز می‌توان شمار زیادی از دانش‌گامیان در حوزه‌های گوناگون علم و دانش را دید، که در کنار دیپلمات‌ها و کادر وزارت خارجه در هر کشور، در حال هم‌کاری و تعامل با نهادهای علمی در دیگر کشورها و یا با سازمان‌های بین‌المللی هستند. درواقع، دیپلماسی دانش‌گاهی، یکی از شفاف‌ترین، سالم‌ترین و انسانی‌ترین روابط میان ملت‌ها به شمار می‌رود.

امروزه انجمن پیش‌برد علم آمریکا^۱ سه مقوله اصلی در حوزه دیپلماسی علمی را مطرح می‌کند:

¹. American Association for Advancement of Science (AAAS)

الف) علم برای دیپلماسی: که در این جا دانش روز و فناوری‌های نوین در خدمت پیش‌برد اهداف سیاست‌گذاران خارجی (فرضاً در حوزه گردآوری و تحلیل اطلاعات و ارتباط آسان‌تر با دیگر کشورها و ...) قرار می‌گیرند.

ب) دیپلماسی برای علم: که به معنای به‌کارگیری دیپلماسی برای تسهیل هم‌کاری‌های علمی و فناوری میان کشورها است.

پ) علم در کنار دیپلماسی: که براساس آن، هم‌کاری‌های علمی و فناوری میان کشورها، روابط بین‌الملل را بهبود می‌بخشد. در این تعریف، این هم‌کاری‌ها می‌توانند دوجانبه باشند و یا در سطحی گسترده‌تر و در عرصه بین‌المللی صورت پذیرند.

در جهان کنونی، بروز مشکلات بزرگ در سطح جهانی، مانند مسائل زیست‌محیطی یا بیماری‌های واگیردار یا بحران‌های اجتماعی فراگیر و یافتن راه‌کارهایی برای مبارزه با این مسائل و نیز یافتن راه‌هایی برای جلوگیری از رخ‌دادن جنگ و دیگر دشواری‌ها در زنده‌گی انسان، جوامع را نیازمند آن کرده، که اندیش‌مندی از کشورهای گوناگون به دور هم گرد آیند و برای حل مشکلات بشر چاره‌ی بیندیشند. پستی‌بانی دولت‌ها از تعامل میان دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌های تخصصی در سطوح منطقه‌ی و بین‌المللی، برای حل مشکلات مشترک، یکی از راه‌های گسترش هم‌کاری میان دولت‌ها در عصر کنونی است. درواقع، گاه دیده می‌شود که توسعه داخلی یک کشور، منوط به توسعه منطقه پیرامون آن کشور است؛ بنابراین، دولت‌مردان برای برقراری صلح و ثبات در محیط پیرامون کشور خود، از دیپلماسی علمی و تبادل دانش با کشورهای هم‌سایه برای کمک به پیش‌برد برنامه‌های توسعه در سطح منطقه‌ی استفاده می‌کنند.

بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه مطالعات توسعه، براین باور اند، که تداوم توسعه نامتوازن میان مناطق شمال و جنوب جهان، می‌تواند به ناپایداری صلح و ثبات در عرصه بین‌المللی بینجامد؛ ازاین‌رو، کشورهای ثروت‌مند، که به دانش و تکنالوژی بالاتری دسترسی دارند، چاره‌ی ندارند جز آن که به یاری کشورهای درحال توسعه یا توسعه نیافته بشتابند و آنان را در پیش‌برد برنامه‌های توسعه یاری دهند. دراین امر، هم‌کاری‌های علمی و آموزشی از جای‌گاه و اهمیت ویژه‌ی برخوردارند. این نیاز دوسویه، به گسترش روابط دیپلماتیک و پیوندهای دوستی میان کشورها می‌انجامد؛ این‌درحالی است که امروزه کشورهای درحال توسعه نیز خود به دنبال یافتن الگوهای هم‌کاری با کشورهای هم‌سان خود هستند، تا به هم‌افزایی در حوزه‌های گوناگون دانش دست یابند؛ دراین میان، به نظر می‌رسد که دیپلماسی علمی، که حتا می‌توان آن را در بیش‌تر موارد «دیپلماسی دانش‌گاهی» نامید، می‌تواند یکی از انسان‌دوستانه‌ترین روش‌های گسترش روابط میان ملت‌ها و دولت‌ها و ابزاری برای گسترش صلح و ثبات بین‌المللی باشد.

امضای تفاهم‌نامه‌های همکاری علمی و پژوهشی میان نهادهای علمی، به‌ویژه دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌ها در کشورهای گوناگون، از ابزارهای اصلی پیش‌برد این دیپلماسی به‌شمار می‌آیند. یکی از کارکردهای این تفاهم‌نامه‌ها، تبادل استاد و دانش‌جو میان دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌ها است. در این‌جا، هر استاد و دانش‌جویی که به کشوری دیگر و یا مرکز پژوهشی دیگری می‌رود، نقش یک دیپلمات و نماینده کشور خود را بازی می‌کند. در این ایفای نقش، او به خوبی می‌داند که از یک‌سو باید دانش موجود در حوزه تخصصی خود در کشور میزبان را به خوبی فرا گیرد و از سوی دیگر، باید به گونه‌ی رفتار کند که زمینه تداوم و گسترش همکاری‌های علمی میان دانش‌گاه میزبان و دانش‌گاه متبوع خود را فراهم آورد. دوستی‌ها و همکاری‌های علمی، که از این ره‌گذر در محیط دانش‌گاهی شکل می‌گیرند و گاه به انجام پژوهش‌های مشترک علمی می‌انجامند، از جمله مهم‌ترین دست‌آوردهای این‌گونه سفرها می‌باشند (Skolnioff; 2007: 116)؛ در این میان، رایزنان علمی سفارت‌خانه‌ها در کشورهای گوناگون نیز می‌توانند نقشی کلیدی در پیوند دادن دانش‌گاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در کشور میزبان و در کشور متبوع خود بازی کنند.

شرکت در همایش‌های بین‌المللی و تبادل دیدگاه‌ها پیرامون موضوعات گوناگون علمی، از دیگر راه‌های گسترش پیوندهای دانش‌گاهی و تعامل در چهارچوب دیپلماسی علمی میان اندیش‌مندان کشورهای گوناگون است؛ از این‌رو، برای آن‌که بتوان از فرصت پیش‌آمده برای آگاهی از دیدگاه‌های اندیش‌مندان دیگر کشورها و نیز بازگویی دیدگاه‌های علمی اندیش‌مندان کشور خود در همایش‌ها و مجامع بین‌المللی بیش‌ترین بهره را ببریم، نه تنها لازم است، که شرکت‌کننده‌گان در این برنامه‌ها، به‌عنوان سفیران علمی کشور، از دانش کافی پیرامون موضوع همایش برخوردار باشند، بل که باید به زبان همایش و نیز زبان بین‌المللی علم در جهان امروز نیز تسلط کافی داشته باشند، تا بتوانند به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازند.

از سوی دیگر، امروزه دیپلماسی علم و فناوری می‌تواند ابزاری برای پیش‌برد برنامه‌های توسعه اقتصادی نیز باشد. بسیاری از نهادها و سازمان‌های علمی در سطح بین‌المللی آماده‌گی آن را دارند تا به یاری سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها و پژوهش‌کده‌های علمی، برای پیش‌برد برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی آن‌ها با هدف توسعه انسانی در جوامع رو به پیش‌رفت بیایند؛ بنابراین، این ظرفیت هست که از راه برنامه‌ریزی و انجام پروژه‌های پژوهشی مرتبط با توان‌مندسازی اجتماعی و اقتصادی جامعه، به جلب سرمایه‌ها و کمک‌های بین‌المللی پرداخت و از هزینه‌های دولتی کاست.

جای‌گاه دیپلماسی علمی در روابط ایران و افغانستان

امروزه ناامنی در حاشیه مرزهای ایران، که برآمده از بی‌ثباتی و ناامنی در کشورهای پیرامونی به‌شمار می‌رود، زمینه بازنگری در الگوهای امنیتی در سطح کلان را به امری گریزناپذیر تبدیل کرده

است. در واقع، اگرچه می‌توان از ابزارهای نظامی برای جلوگیری از گسترش ناامنی به درون کشور پیش‌گیری کرد، اما راه حلی که امنیت و ثبات بلندمدت را برای ما به ارمغان می‌آورد، ارتباط میان جامعه علمی ایران با نخبگان و اندیش‌مندان کشورهای پیرامون با هدف شکل‌دهی به دوستی و گسترش ایده‌های توسعه پایدار در آن جوامع و نیز کاهش تأثیرگذاری برخی دیدگاه‌های تندروانه موجود نسبت به هم‌کاری با ایران است.

از آن‌جا که تبلیغات نادرست بین‌المللی در بسیاری از موارد موجب ناآگاهی یا شناخت نادرست مردم جوامع گوناگون از یک‌دیگر شده است، ارتباط مستقیم با نخبگان هر جامعه، که در واقع مرجع شکل‌دهی به افکار عمومی در آن جامعه به‌شمار می‌روند، می‌تواند رفته‌رفته به شکل‌گیری دوستی‌های عمیق و شناخت درست از جوامع یک‌دیگر منجر شده و از دامنه دشمنی‌ها و ستیزه‌جویی‌ها بکاهد؛ از سوی دیگر، هم‌فکری علمی و فرهنگی، می‌تواند زمینه مناسبی را برای معرفی الگوهای توسعه و رشد، که برپایه تجربه در جامعه ایران به دست آمده است را به جوامع هم‌سایه، که اغلب دارای تمدن و تاریخ و فرهنگ مشترک با جامعه ایران هستند، فراهم آورد؛ به این ترتیب، در آینده می‌توان شاهد شکل‌گیری روند توسعه هم‌گون میان جوامع منطقه بود و از بروز تضاد و تنش بیش‌تر در سطح منطقه‌یی پرهیز کرد.

هم‌اکنون دانش‌گاه علامه طباطبائی، که بزرگ‌ترین دانش‌گاه علوم انسانی در کشور است، برنامه‌یی مفصل برای هم‌کاری‌های علمی همه‌جانبه با دانش‌گاه‌های کشور افغانستان در حوزه علوم انسانی و اجتماعی طراحی کرده، که از تنوع بسیاری برخوردار است. از جمله اقدامات انجام شده از سوی این دانش‌گاه برای گسترش هم‌کاری‌های علمی با دانش‌گاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی در افغانستان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

__ برگزاری برنامه‌های بازدید علمی استادان دانش‌کده‌های گوناگون دانش‌گاه علامه طباطبائی از مراکز علمی و پژوهشی در افغانستان و فراهم‌آوردن زمینه سفر استادان افغانستانی به ایران با هدف زمینه‌سازی برای آشنایی و دوستی میان استادان و پژوهش‌گران دو کشور (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://aiss.af/persian/aiss/enflagship/59fedecb07b56>>);

__ برگزاری کارگاه‌های دروس پایه، مانند روش پژوهش توسط استادان برجسته دانش‌گاه علامه طباطبائی در دانش‌گاه‌های دولتی و خصوصی در شهرهای گوناگون افغانستان و نیز به صورت مجازی (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/13262>>);

__ برگزاری همایش‌های علمی مشترک، مانند «گفت‌وگوی فرهنگی ایران و افغانستان» در سال‌های مختلف (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/15467>>);

__ میزبانی روزنامه‌نگاران افغان در دوره‌های متعدد برای گذراندن دوره‌های آموزش روزنامه‌نگاری نوین در دانش‌کده ارتباطات دانش‌گاه علامه طباطبائی (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/3976>>);

__ دعوت از دانش‌جویان نخبه دانش‌گاه‌های گوناگون افغانستان برای گذراندن یک هفته آموزشی - تفریحی در دانش‌گاه علامه طباطبائی و بازدید از مکان‌های تاریخی و فرهنگی در تهران (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/1728>>);

__ اعطای بورس تحصیلی و فرصت مطالعاتی به استادان دانش‌گاه‌های افغانستان (مطابق مصوبه هیأت امنای دانش‌گاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۷ سالانه ۲۰ بورسیه علمی به اعضای هیأت علمی دانش‌گاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی در افغانستان اختصاص داده می‌شود. این رقم در سال ۱۴۰۰ به ۳۵ بورسیه افزایش یافت);

__ پشتیبانی از انجام پروژه‌های پژوهشی مشترک میان استادان ایرانی و افغانستانی؛
__ شرکت استادان دانش‌گاه علامه طباطبائی و استادان دانش‌گاه‌های افغانستان در همایش‌های بین‌المللی در دو کشور (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/1952>>);

__ تدریس استادان ایرانی و افغان در دانش‌کده‌های یک‌دیگر (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/3027>>); (و نیز نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/12625>>);

__ فرستادن کتاب‌های منتشره توسط ناشران دانش‌گاهی ایرانی به کتابخانه‌های دانش‌گاه‌های افغانستان (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/8570>>);

__ گفت‌وگو میان رؤسای دانش‌گاه‌های دو کشور و نیز مقامات دانش‌گاهی و دیپلماتیک دو کشور با هدف گسترش همکاری‌های علمی؛ برای نمونه نگاه کنید به این نشانی‌ها:

<<https://atu.ac.ir/fa/news/13760>>

<<https://atu.ac.ir/fa/news/13254>>

<<https://atu.ac.ir/fa/news/7029>>

__ بازدیدهای علمی استادان دانش‌گاه‌های افغانستان از دانش‌گاه علامه طباطبائی (برای نمونه نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/fa/news/2680>>؛ و نیز نگاه کنید به:

<<https://atu.ac.ir/fa/news/7377>>);

__ راه‌اندازی مرکز مشاوره سلامت مهاجر (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: <<https://atu.ac.ir/afnews/9356>>);

__ تشکیل شبکه هم‌یاری استادان ایران و افغانستان در فضای مجازی برای فراهم‌آوردن زمینه گفت‌وگو و تبادل نظر میان اندیش‌مندان دو کشور (برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: <<https://www.irna.ir/news/84087575>>); و دیگر موارد.

هدف از این کوشش‌ها، فراهم‌ساختن زمینه گفت‌گوی علمی و فرهنگی استادان، اندیش‌مندان، پژوهش‌گران و دانش‌جویان دو کشور برای ارتقای دانش و پژوهش در سطوح منطقه‌یی و بین‌المللی و نیز دستیابی به الگوی مناسب توسعه میان افشار و گروه‌های گوناگون در جوامع ایرانی و افغانستانی و نیز افزایش همکاری‌های علمی از راه هم‌افزایی دانش و توان‌مندی موجود در هر دو سو بوده است. این کوشش‌ها سبب شده است، که نه تنها آگاهی و شناخت بسیاری از دانش‌گاہیان ایرانی نسبت به سطح بالای فرهنگ و دانش در میان نخبه‌گان افغانستانی افزایش یابد، بل که روی کردهای گاه بدبینانه قشر تحصیل‌کرده و روشن‌فکر افغان نیز، که بعضاً به خاطر تجربه‌های ناخوشایند سال‌های مهاجرت و یا به خاطر تبلیغات رسانه‌یی شکل گرفته اند، رفته‌رفته به دیدی واقع‌گرایانه نسبت به جامعه ایران سوق داده شود. در واقع، هم‌فکری علمی میان این گروه از اندیش‌مندان دو کشور، توانسته است به هم‌دلی اجتماعی و فرهنگی میان جوامع مدنی دو کشور یاری رساند.

ازسوی دیگر، جذب استادان و دانش‌جویان نخبه کشورهای دیگر در دانش‌گاه‌ها و پژوهش‌کده‌های داخلی برای تدریس و تحصیل نیز یکی دیگر از راه‌های استفاده از دیپلماسی علمی برای گسترش همکاری میان ملت‌ها است. امروزه بسیاری از کشورهای جهان با دادن بورسیه به دانش‌جویان کوشا در کشورهای درحال توسعه نه تنها از توان و ظرفیت علمی آنان در پیش‌برد دانش در کشور خود استفاده می‌کنند، بل که می‌دانند که درحال تربیت‌کردن نیروی کارآمد آینده در کشورهای دیگر هستند؛ و این دانش‌جویان پس از بازگشت به کشورهای خود، به طور طبیعی گسترش هم‌کاری با نهادهای علمی و اجرایی کشور محل تحصیل خود را در نظر دارند. نمونه تأثیرگذاری دانش‌جویان خارجی بر روابط میان کشورهای مبدأ و مقصد را می‌توان در حضور دانش‌جویان پیشین افغانستان و عراق در دانش‌گاه‌های ایران در مناصب عالی در دولت، مجلس و دیگر نهادهای صاحب قدرت در آن کشورها دید. امروزه تأثیرپذیری مثبت یا منفی دانش‌آموخته‌گان دانش‌گاه‌های ایران، که به دیار خود بازگشته اند، در شکل‌دهی به روند هم‌کاری‌های دوجانبه نقشی کلیدی بازی می‌کند.

به‌این‌ترتیب، از آن‌جا که بسیاری از تحصیل‌کرده‌گان و نخبه‌گان افغان، گذشته از حضور در مجامع علمی این کشور، دارای مسؤولیت‌های عالی و تصمیم‌ساز هستند، تغییر نگرش میان دانش‌گاہیان ایران و افغانستان، می‌تواند زمینه افزایش تعامل و هم‌کاری میان نهادهای مسؤول در هر دو کشور را نیز فراهم آورد.

نمونه‌یی که درباره هم‌کاری با افغانستان در این‌جا آورده شد را می‌توان در هم‌کاری‌های دانش‌گاه علامه طباطبائی در حوزه علوم انسانی با دانش‌گاه‌های کشورهای دیگر هم‌چون روسیه، اسپانیا، هندوستان و ... نیز دید. این امر سبب شده است، که استادان و دانش‌جویان این دانش‌گاه، حکم

سفیران و فرستاده‌گان علمی ایران را در مجامع بین‌المللی ایفا کرده و نماینده‌گی قشر دانش‌گاهی کشور در حوزه علوم انسانی را در کنار هم‌تایان خود در دیگر دانش‌گاه‌های ایران، به خوبی عهده‌دار شوند. کوشش ایشان در این زمینه، هم‌چنین سبب شده، که میزان خودباوری و اعتماد به نفس برای مشارکت در بحث‌های بین‌المللی و پذیرش مسؤولیت‌های محوله در گفت‌وگو با هم‌تایان خود در دیگر کشورها برای تأمین منافع ملی کشور، افزایش یابد. نمونه این امر را می‌توان در بنیان‌گذاری شبکه بین‌المللی دانش‌گاه‌های راه‌ابریسم توسط این دانش‌گاه و شماری دیگر از دانش‌گاه‌های آسیایی در تابستان سال ۱۳۹۴ و نیز راه‌اندازی دبیرخانه دانش‌جویی این شبکه و انتقال آن از سنول به تهران و دعوت از دانش‌جویان دانش‌گاه‌های گوناگون افغانستان برای هم‌کاری با این شبکه مشاهده کرد.

جمع‌بندی بحث

ایران در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، به خوبی توانسته بود از قدرت نرم خود در منطقه و جهان بهره‌برد، به ویژه که این انقلاب با شعارها و رسالت‌های معنوی مشخص در منطقه و جهان معرفی شد و توانست میان بسیاری از مردم کشورهای گوناگون از جمله کشورهای اسلامی، هوادارانی داشته باشد. مهم‌ترین مایه تقویت قدرت نرم ایران در آن دوران، تشکیل حکومت بر پایه باورهای دینی مردم و دولت‌مردان بود. الگوی رفتاری و گفتاری بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نیز موجب شده بود، که ایشان به عنوان یک رهبر تأثیرگذار در سطح منطقه و جهان شناخته شوند. انقلاب اسلامی ایران در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ الگوی بسیاری از فعالیت‌ها و جنبش‌های آزادی‌خواهانه در جهان به شمار می‌رفت و گفت‌مان انقلاب اسلامی از توان جذب‌کننده‌یی میان توده‌های مردم در کشورهای گوناگون برخوردار بود.

با این‌همه و با وجود این تجربه موفق، ایران در سال‌های بعد نتوانست بهره‌مورد انتظار را از قدرت نرم خود ببرد. این درحالی‌است که براساس سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران، باید الهام‌بخش بسیاری از کشورهای جهان در حوزه‌های گوناگون باشد. امروزه توجه به افزایش توان‌مندی ایران بدون توسعه دیپلماسی علمی، دشوار به نظر می‌رسد. درعین حال، ایران این ظرفیت را دارد که مرجع علم و فناوری در میان کشورهای رو به توسعه، به‌ویژه در مناطق هم‌سایه خود باشد؛ اما بدون توجه و سرمایه‌گذاری در زمینه گسترش استفاده از دیپلماسی علمی و دانش‌گاهی، رسیدن به این هدف، دشوار خواهد بود؛ از این‌رو، به نظر می‌رسد گسترش هم‌کاری‌ها میان نهادهای سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در حوزه سیاست خارجی با نهادهای علمی مانند دانش‌گاه‌ها و دانش‌کده‌هایی که به صورت تخصصی به بررسی راه‌کارهای گسترش هم‌کاری‌های بین‌المللی می‌پردازند و در عمل نیز

می‌کوشند تا مراودات بین‌المللی بین دانش‌گاهی را گسترش دهند، مهم‌ترین کار در پیش‌برد دیپلماسی علمی در ساختار سیاست‌گذاری خارجی خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با بررسی ظرفیت‌های دیپلماسی علمی در پیش‌برد برنامه‌های همکاری‌جویانه کشورهای، و نیز با مروری کوتاه بر زمینه‌های همکاری علمی و دانش‌گاهی میان دو کشور، به نظر می‌رسد که هم در ایران و هم در افغانستان، در دو بُعد داخلی و خارجی، انجام اقدامات مؤثر و تغییر روی کردها نسبت به چه‌گونه‌گی به‌کارگیری ابزار قدرت نرم، به‌ویژه در حوزه دیپلماسی علمی در هر دو کشور، می‌تواند گامی مهم در برطرف کردن موانع موجود برای گسترش همکاری‌ها میان دو هم‌سایه باشد. باید گفت که مفاهیمی هم‌چون قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و دیپلماسی علمی هنوز جای‌گاهی در محافل فکری و تصمیم‌گیری ایران و افغانستان پیدا نکرده‌اند و به لحاظ مفهومی و کاربردی به روشنی تعریف نشده است؛ با این‌همه، تبیین جای‌گاه و نقش دیپلماسی علمی در روابط دو کشور، می‌تواند زمینه‌ساز گسترش همکاری در دو سطح ملت‌ها و دولت‌ها شود.

از سوی دیگر، هنر بهره‌گیری از توان و ظرفیت علمی استادان و پژوهش‌گران ایرانی و افغانستانی در سطح بین‌المللی از راه همکاری‌های دانش‌گاهی و با هدف کسب درآمدهای ارزی هنوز در میان دانش‌گاہیان دو کشور به خوبی تبیین نشده و سهم ایران و افغانستان از بودجه‌های پژوهشی بین‌المللی، که سالانه توسط نهادهای جهانی به کشورهای و نهادهای علمی گوناگون داده می‌شود، بسیار اندک است. آن‌چه که می‌تواند سبب کارآمدی و رشد و پویایی اقتصادی بدنه علمی هر دو کشور شود، فراهم آوردن زمینه آموزش دانش‌گاہیان در حوزه همکاری‌های علمی بین‌المللی است. برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه شیوه همکاری‌های علمی و کشف استعدادها موجود در دانش‌گاه‌های مختلف دو کشور، بی‌تردید می‌تواند نوعی سرمایه‌گذاری با بازده خوب علمی و اقتصادی به شمار آید.

از دیگر ضرورت‌ها برای گسترش دیپلماسی علمی، ارتباط مستقیم و مستمر دانش‌گاہیان و دست‌گاه سیاست‌گذاری خارجی با یک‌دیگر است. برای پیش‌برد دیپلماسی علمی بر پایه منافع ملی، نیازمند آن هستیم که مدیران، سفیران، دیپلمات‌ها، مسؤولان امنیتی و کارشناسان امور خارجه از یک‌سو و مدیران، استادان و پژوهش‌گران دانش‌گاه‌ها و نهادهای پژوهشی در هر کشور از سوی دیگر، با یک‌دیگر به گفت‌وگو پرداخته، نیازها، اولویت‌ها، کمبودها و توان‌مندی‌های خود را بازگو کنند، تا بتوان بر اساس آن، نقشه راه برای همکاری با نهادهای علمی با دیگر کشورهای جهان را ترسیم کرد.

و سرانجام آن‌که، تا هنگامی که در نهادهای علمی توجه کافی به برنامه‌های پژوهش و توسعه در سطوح فراملی و در قالب تعامل صنعت و جامعه نشود، نمی‌توان انتظار داشت که دانش‌گاه‌ها بتوانند در سطح بین‌المللی به خوبی بدرخشند و در دیپلماسی دانش‌گاهی نقشی درخور بازی کنند. هم‌کاری پژوهش‌گران دو کشور ایران و افغانستان با یک‌دیگر، می‌تواند عرصه تازه‌یی از هم‌کاری‌های پژوهشی در حوزه مربوط به مطالعات مشترک میان این دو کشور را فراهم آورد و به غنای دست‌آوردهای علمی در هر دو کشور یاری رساند.

سرچشمه‌ها

فارسی:

۱. احدی، افسانه. (۱۳۸۹). «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی». تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، مرکز تحقیقات استراتژیک.
۲. گر، تد رابرت. (۱۳۷۹). **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟**. ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.
۳. متقی، ابراهیم. (۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۷). «دیپلماسی عمومی». سایت دیپلماسی ایرانی.
۴. موسوی موحدی، علی اکبر و ابوالفضل کیانی بختیاری. (خرداد ۱۳۹۱). «دیپلماسی علمی و فناوری». ایران: نشریه نشا علم. سال دوم. شماره دوم.
۵. نای، جوزف و پاپ، رابرت. (۱۳۹۲). «قدرت و موازنه نرم در سیاست بین‌الملل». ترجمه عسگر قهرمان‌پور. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.

انگلیسی:

6. American Association for Advancement of Science (AAAS). (2012). "Science and Diplomacy Quarterly", Center for Science Diplomacy.
7. Linklater, Andrew. (1998). "The Transformation of Political Community: Ethical Foundations of the Post-Westphalia Era" Columbia: University of South Carolina Press.
8. Nye, J. S. (1991). **Bound to Lead: The Changing Nature of American Power**. USA: Basic books publication.
9. Skolnikoff, E. (2007). "International Cooperation: What's in it for Us?". Journal of International Cooperation in Education. Vol 8.

10. Turekian, V. C., Neureiter, N. P. (2012). “**Science and Diplomacy: The Past as Prologue**”. Science & Diplomacy website <<http://www.sciencediplomacy.org>>

سایتها

- . <<https://aiss.af/persian/aiss/enflagship/59fedecb07b56>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/13262>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/15467>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/3976>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/1728>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/1952>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/3027>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/12625>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/8570>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/13254>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/7029>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/2680>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/7377>>
- . <<https://atu.ac.ir/fa/news/9356>>
- . <<https://www.irna.ir/news/84087575>>